

The Impact of Lifestyle on Victimization Prevention: An Islamic Perspective

Vahid Nekunam  / Associate Professor at the Department of Criminal Law and Criminology, Hazrat Masumeh University
Received: 2024/12/31 - **Accepted:** 2025/04/07 vahid.nekoonam@gmail.com

Abstract

The expansion of interdisciplinary studies in recent decades along with the emergence of postmodernism has made lifestyle a key focus. In criminology, lifestyle is vital for understanding crime etiology and prevention. This study aims to explain the relation between lifestyle, as a psycho-sociological indicator, and victimization prevention. The descriptive-analytical method and library sources were used in this study. The data were collected through documentary method and studying reliable sources. The research findings show that the formation of a lifestyle depends on cultural and social factors and changes in individual and social attitudes. Although lifestyle is seemingly individual, it is shaped by interactions between personal and social life and cyberspace. In criminology, etiology and its prevention are the most important issues. Components like patience and tolerance, goal protection, types of clothing, family interactions, urban design, and controlled cyber usage in victims' lifestyles significantly contributes to crime prevention.

Keywords: lifestyle, victimization, situational prevention, social prevention, Islamic law.

نوع مقاله: ترویجی

تأثیر سبک زندگی بر پیشگیری از بزه‌دیدی با نگاهی به مبانی اسلامی

vahid.nekoonam@gmail.com

وحید نکونام /  دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه حضرت معصومه 

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

چکیده

گسترش مطالعات بین‌رشته‌ای در دهه‌های اخیر با ظهور مباحث پست‌مدرنیسم سبب شد سبک زندگی به‌عنوان موضوعی مهم مورد توجه اندیشمندان قرار گیرد. در حوزه مطالعات جرم‌شناختی نیز سبک زندگی در مباحث علت‌شناسی وقوع جرم و پیشگیری از آن حائز اهمیت است. با این توضیح، هدف اصلی این پژوهش تبیین ارتباط میان سبک زندگی به‌عنوان یک شاخص روان‌شناختی - جامعه‌شناختی در موضوع پیشگیری از بزه‌دیدی است. این مقاله به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته، همچنین گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق مطالعه منابع معتبر انجام شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش شکل‌گیری سبک زندگی تابع مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی و تحول در نگرش‌ها و رجحان‌های فردی و اجتماعی است. از این‌رو هرچند سبک زندگی در ظاهر هویتی فردی می‌باشد، لیکن کنش میان زندگی فردی، اجتماعی و فضای مجازی در شکل‌گیری آن مؤثر است. در موضوعات جرم‌شناختی، توجه به علت‌شناسی وقوع جرم و پیشگیری از آن، مهم‌ترین حوزه‌های بحث می‌باشد. در این راستا مؤلفه‌هایی چون روحیه صبر و مدارا، محافظت از آماج‌ها، نوع پوشش، تعاملات خانوادگی، تغییر در کالبد شهری، میزان استفاده از فضای مجازی در سبک زندگی بزه‌دیده نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، بزه‌دیدی، پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی، حقوق اسلام.

مقدمه

اقدامات غیرکیفری و غیرقهرآمیز تأکید داشته‌اند (نیازپور، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰). شورای اروپا در توصیه‌نامه شماره ۷ (۸۳) R به کشورهای عضو، پیشگیری کیفری را از محدوده پیشگیری خارج ساخت (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۷۸). پیشگیری از بزه‌دیدی نیز در زمره پیشگیری غیرکیفری قرار می‌گیرد. مطابق یک دسته‌بندی کلاسیک و رایج، پیشگیری غیرکیفری به اجتماعی و وضعی تقسیم می‌گردد. پیشگیری اجتماعی با ایجاد تغییر در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به شکل همیشگی و پایدار است. این رویکرد با دخالت فعال حاکمیت در محیط زندگی عمومی مردم و توجه به علل زیربنایی بزه و آسیب‌های اجتماعی، بستر زیست کرامت‌مدار شهروندان را از طریق پاسداشت حقوق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌آورد. به دیگر سخن، این نوع پیشگیری فعالیت‌هایی چون کاهش فقر و آسیب‌های اجتماعی، بیکاری، آموزش و پرورش ناکارآمد و شناخت علل بنیادین رفتار منحرفانه را شامل می‌شود (Lab, 2014, p. 353). با این بیان، پیشگیری اجتماعی خود به دو گونه محیط‌مدار (Environmental crime prevention) و رشد‌مدار (Developmental crime Prevention) تقسیم می‌گردد.

مقصود از پیشگیری وضعی نیز مجموعه تدابیری است که با تسلط بر شرایط پیرامونی و محیط با کاهش وضعیت‌های پیش‌جنایی که وقوع جرم را مساعد می‌کند، به دنبال افزایش خطر شناسایی و دستگیری بزهکاران بالقوه است (Berelson-Steiner, 2010, p. 169). به بیان دیگر، پیشگیری وضعی از جرم بر طراحی و کنترل محیط فیزیکی متکی است، به این منظور که فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش داده و یا خطر تعقیب راه، در صورتی که ارباب مؤثر واقع نشود، افزایش دهد (Bourdieu, 2003, p. 127).

در نظریه سبک زندگی، الگوی پیشگیرانه، بر اساس مفهوم خطر دنبال می‌شود. از این منظر بسیار ضروری است که روشن شود چرا برخی از گروه‌های انسانی بیشتر از دیگران در معرض خطر بزه‌دیدی قرار دارند. طبعاً اگر بتوان این عوامل را بازشناسی کرد، می‌شود از آن به‌عنوان یک عامل بازدارنده و پیشگیرانه در بحث بزه بهره برد. فردسون و گاروفالو بر این باورند که الگوهای عملکرد یا شیوه سبک زندگی افراد، تحت تأثیر سه عامل نقش اجتماعی، موقعیت فردی در ساختار اجتماعی و عقلانیت افراد قرار دارد (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۵۴).

از زمان ظهور مطالعات جرم‌شناختی حول پدیده مجرمانه، توجه متفکران عمدتاً بر بزه و بزهکار متمرکز و سیاست جنایی بر این دو محور استوار گردیده بود، لیکن در دهه‌های اخیر به موضوع بزه‌دیده به‌عنوان یک وضعیت ماقبل جنایی و مؤثر در ارتکاب جرم توجه ویژه‌ای شده است؛ چراکه برای ارتکاب جرم علاوه بر وجود یک مرتکب با انگیزه و دارای مهارت و ابزار لازم، یک آماج مناسب و حفاظت‌نشده نیز لازم می‌باشد. این بُعد به نوعی به بزه‌دیده، رفتارهای وی و محیط پیرامونی او می‌پردازد. به قول مارک آنسل یکی از تحولات علوم جنایی پس از ملحوظ داشتن عمل مجرمانه و شخصیت مجرم، توجه به بزه‌دیده است و این تحول، علمی نوین به نام بزه‌دیده‌شناسی را ایجاد نموده است (آنسل، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰). در این بحث برخی نویسندگان در تقسیم بزه‌دیدگان، فرضی را مطرح می‌کنند که در آن خود بزه‌دیده خواسته یا ناخواسته با ایجاد موقعیت‌های خطرناک شرایط بزه‌دیدی را فراهم می‌آورد (ویانو، ۱۳۷۶، ص ۴۴۹).

بحث بزه‌دیدی از منظر جرم‌شناسی حداکثر قدمتی صد ساله دارد. با این حال، دین مبین اسلام از بدو پیدایش در بسیاری از آموزه‌های خود به تأثیر سبک زندگی بر بزه‌دیدی توجه داشته است؛ چراکه فهم علل و زمینه‌های بزه‌دیدی راه را برای پیشگیری هموار می‌سازد. پیشگیری از جرم ماهیتی کیفری و غیرکیفری دارد و با وجود آنکه تمامی جوامع از ابزارهای کیفری برای این منظور بهره می‌گیرند، لیکن توجه به پیشگیری غیرکیفری نیز اهمیت قابل‌توجهی خواهد داشت.

یکی از حوزه‌های قابل بحث در این حیطه موضوع سبک زندگی است. اهمیت پرداختن به سبک زندگی در پیشگیری از بزه‌دیدی در آن است که بررسی این امر تأثیر بسزایی در شناخت عوامل و زمینه‌های بزه‌دیدی دارد و با وجود آنکه در موضوع سبک زندگی به طور عام و تأثیر سبک زندگی بر بزهکاری به طور خاص، آثاری به رشته تحریر درآمده است، لیکن پژوهش حاضر به جهت تمرکز بر موضوع پیشگیری از بزه‌دیدی و اشاره به برخی آموزه‌های دینی در این عرصه بدیع می‌باشد.

۱. رابطه میان سبک زندگی و انواع پیشگیری

بر اساس یک تقسیم‌بندی کلی، پیشگیری به کیفری و غیرکیفری تقسیم می‌گردد و حتی برخی نویسندگان در تعریف پیشگیری تنها بر

اینکه فرد در جامعه چه نقشی داشته و روابط و مناسبات او با سایر اقشار جامعه چگونه است؛ موقعیت افراد در ساختار اجتماع از این منظر که هرچه موقعیت شخص بالاتر باشد خطر بزه‌دیدگی کاهش می‌یابد؛ همچنین عقلانیت از این جهت که به افراد امکان تشخیص موقعیت‌ها و شناخت رفتارها و اتخاذ تمهیدات رفع خطر را می‌دهد، مؤلفه‌های تأثیرگذار موضوع هستند.

با این توضیحات مشخص می‌گردد که بحث سبک زندگی در هر دو موضوع پیشگیری وضعی و اجتماعی مؤثر خواهد بود.

۲. ادبیات نظری

گئورگ زیمل که از پیشروان طرح بحث سبک زندگی در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی است در تبیین مفهوم سبک زندگی به تلاش انسان برای یافتن فردیت برتر خود در فرهنگ عینی‌اش و شناساندن این جایگاه به دیگران اشاره نموده است (Simmel, 1990, p. 310). آدلر روان‌شناس آلمانی نیز سبک زندگی را کلیت بی‌مانند و اختصاصی انسان که همه فرایندهای عمومی زندگی در ذیل آن تعریف می‌شود، معرفی می‌کند (kattryn-dominic, 2008, p. 235).

سبک زندگی رفتار و منش نیست، بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را هدایت می‌کند و خود به واسطه خوی‌ها و منش شخصی شکل می‌گیرد (شاکسمیت و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷). این مفهوم، نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام‌واره هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد.

نظریه سبک زندگی در یک چارچوب وسیع در ذیل نظریه‌های انتخاب عقلانی قرار می‌گیرد. نظریه فعالیت‌های روزانه نیز زیرمجموعه همین دیدگاه است. به نظر برخی نویسندگان، نظریه انتخاب عقلانی در پی علت‌شناسی بزهکاری و انگیزه‌های وقوع جرم نیست، بلکه به علل وضعی نظر دارد. از این رو کارکرد آن بیشتر در پیشگیری وضعی است (والکلیت، ۱۳۸۶، ص ۸۲).

برخی نویسندگان چون هیندلنگ، گات فردسن به دنبال درک این معنا بوده‌اند که به چه دلیل برخی گروه‌های خاص از مردم بیش از دیگران در خطر بزه‌دیدگی هستند. پاسخ آنان این بود که فعالیت‌های الگوبندی‌شده یا شیوه زندگی افراد به نرخ‌های متفاوت

مجرم‌زایی می‌انجامد (ویلیامز و فرانکلین، ۱۳۹۱، ص ۲۴۵). کوهن نیز معتقد است همان متغیرهایی که برخورداری از مزایای زندگی را افزون می‌سازد موقعیت‌های وقوع خشونت و تعدی را نیز افزایش می‌دهد. برای مثال، استفاده از خودرو، همان‌طور که برای شهروندان تسهیل‌کننده است، آماج‌های آسیب‌پذیر را برای سرقت خودرو فراهم می‌آورد. فعالیت‌هایی چون حضور در کلاس درس، حضور زنان در فعالیت‌های شغلی، شهرنشینی، حاشیه‌نشینی، استفاده از فناوری‌های الکترونیکی خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد (Cohen, 1979).

مطابق نظریه سبک زندگی فردسون که در بالا اشاره شد، سبک‌های متفاوت زندگی افراد آنها را در مجاورت بیشتر بزهکاران قرار داده و احتمال بزه‌دیدگی‌شان را افزایش می‌دهد، از این رو بر اساس این رویکرد بزه‌دیدگی یک پدیده اتفاقی نیست. تمرکز این دیدگاه بر وضعیت پیش‌جنایی است؛ یعنی عواملی که بزه‌دیدگی را به دنبال دارد. بنابراین، طبعاً می‌توان با ملاحظه عواملی همچون نقش اجتماعی فرد، موقعیت اجتماعی او و میزان عقلانیتی که در زندگی روزمره به کار می‌گیرد، احتمال بزهکاری یا بزه‌دیدگی او را پیش‌بینی نمود، و تمهیدات لازم را برای رفع خطر لحاظ کرد. برای مثال کسانی که به واسطه نقش و موقعیت اجتماعی‌شان، تعامل بیشتری با مجرمان و مکان‌های جرم‌خیز دارند، خطر و احتمال بزه‌دیدگی‌شان بیشتر است و برعکس، افرادی که متعلق به طبقات بالای اجتماع بوده و به واسطه شیوه و سبک زندگی‌شان با مجرمان و محل‌های جرم‌خیز سروکاری ندارند، با خطر بزه‌دیدگی کمتری مواجه هستند (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۸۶).

این امر سبب توجه به نقش‌آفرینی بزه‌دیده به‌عنوان متغیری مستقل در شکل‌گیری جرم گردید و به مرور برخی جرم‌شناسان جرم را مولود رفتارهای بزه‌دیده و کنش وی با بزهکار دانستند (ویانو، ۱۳۷۶، ص ۴۴۳). برای مثال پژوهش ولفانگ در خصوص قتل در آمریکا نشان داد که در بسیاری از آنها بی‌احتیاطی قربانی در تحقق قتل سهم بسزایی دارد (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱). پژوهش بودون و بوریکا نیز ثابت کرد تغییر در سبک زندگی مانند برچیده شده مغازه‌های محلی و رشد فروشگاه‌های زنجیره‌ای، افزایش اشتغال زنان، سپری کردن بخش عمده‌ای از زمان در بیرون از خانه توسط اعضای خانواده و مسیرهای طولانی میان خانه تا محل کار، هسته‌ای‌شدن خانواده‌ها و کاهش ارتباطات اجتماعی زمینه‌ساز بزه‌دیدگی هستند (بودون - بوریکا، ۱۳۷۷، ص ۳۶).

مبانی اسلام نیز به موضوع سبک زندگی توجه ویژه‌ای داشته است و این مبانی مبتنی بر آموزه‌هایی است که نقش مهمی در تحقق آرمان جامعه بدون جرم دارد؛ چراکه تعالیم این دین که از قرآن، روایات و عقل نشئت می‌گیرد با تأکید بر سبک زندگی مؤمنانه، نه تنها انسان را از ارتکاب جرم دور می‌دارد، بلکه در پیشگیری از بزه‌دیدی نیز مؤثر است. پیشگیری از وقوع جرم و ارزیابی میزان تأثیر آنها در علوم جنایی و اجتماعی مورد توجه بوده و هست و گام اول و اساسی آن تغییر بینش و نگرش افراد می‌باشد. یک بعد اساسی پیشگیری اتخاذ تدابیری است که انسان را از ارتکاب اعمال مجرمانه و ناپسند برحذر دارد، لیکن بعد دیگر آن تغییر رفتارها و رویکردهایی است که زمینه بزه‌دیدی افراد را فراهم می‌آورد.

با وجود آنکه خاستگاه مفهوم سبک زندگی به جهت توجه به افتراقات فردی، رجحان‌ها و عادت‌ها در نگاه نخستین امری روان‌شناختی است، لیکن به دلیل کارکردهای اجتماعی در دهه‌های اخیر مورد توجه علوم جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی قرار گرفته است و این مفهوم به جهت مواجهه با متغیرهای فرهنگی، اجتماعی، دینی و... نیازمند تحلیل بین‌رشته‌ای می‌باشد. ازاین‌رو سبک زندگی که در نظریه‌های کلاسیک روان‌شناسی تنها امری فردی محسوب می‌شد دیگر تاب این نگاه محدود را ندارد.

با این بیان، اولاً سبک زندگی معطوف به سلوک فردی است، لیکن به جهت مناسبات اجتماعی این سلوک نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از محیط اطراف باشد. ثانیاً سبک زندگی در سطح عمومی برآیند رفتارهای عامه مردم است و افراد تحت تأثیر موقعیت‌ها و شرایط و اوضاع و احوال محیط پیرامونی رفتار کرده و از آن تأثیر می‌پذیرند، ازاین‌رو سبک زندگی تحت تأثیر ملاحظات اجتماعی خواهد بود. ثالثاً خانواده‌ای که فرد در بستر آن رشد می‌کند و نیز محیط‌های آموزشی و همسالان نقش شگرفی در سبک زندگی وی ایفا می‌کند، هرچند در دهه اخیر فضای مجازی نیز در این عرصه به بازیگری مهم تبدیل شده است.

با این اوصاف سبک زندگی ارتباط مستقیمی با بزه‌دیدی دارد. برای نمونه به هر میزان فرد فعال‌تر بوده و حضور اجتماعی بیشتری داشته باشد، احتمال بزه‌دیدی او افزون‌تر است. جوان‌ها به جهت ارتباطات اجتماعی بیشتر و روحیه ریسک‌پذیری، بیشتر در معرض بزه‌دیدی هستند. با این اوصاف برای بررسی تأثیر سبک زندگی بر

بزه‌دیدی چند عامل نقش تعیین‌کننده‌ای دارند:

اول. خلیات و ویژگی‌های فردی که در رفتارهای انسان بروز و ظهور می‌یابد. این امر به نوعی به رویکرد عقلانی که افراد در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی دارند مرتبط است. برای مثال روحیه جوانی با ریسک‌پذیری همراه بوده و به دلیل خطرپذیری، امکان بزه‌دیدی را افزایش می‌دهد.

دوم. نقش اجتماعی و موقعیت فرد در ساختار اجتماع، یعنی نقشی که مردم در جامعه ایفا می‌کنند و جایگاهی که در ساختار اجتماعی دارند.

سوم. عاملی که در دهه اخیر مهم تلقی می‌شود نقش فضای مجازی در پدیده‌های مختلف است؛ چراکه در فضای مجازی شخصیت افراد متفاوت می‌باشد. چه‌بسا یک انسان عادی به یک انسان جذاب، فردی گوشه‌گیر به انسانی اجتماعی، انسانی منززل به فردی قدرتمند تبدیل گردد. نقاب فضای مجازی سن، جنسیت، وضعیت‌های اقتصادی و اجتماعی را در پس زمینه از بین می‌برد و فعالان این عرصه در وضعیتی برابر قرار می‌گیرند و در اینجا است که شخصیتی متفاوت از فضای حقیقی پیدا می‌کنند. این موضوع به مرور سبک زندگی مجازی را شکل می‌دهد که این امر نیز در بزه‌دیدی نقش خواهد داشت.

با توجه به این تفکیک به بررسی تأثیر این سه مؤلفه بر بزه‌دیدی و راهکارهای پیشگیری از آن می‌پردازیم.

۳. سبک زندگی فردی و بزه‌دیدی

در این بحث بایسته است تمام مواردی که به جهت ویژگی‌های فردی و شخصیتی در موضوع اثرگذار است مورد توجه قرار گیرد. از جهت اعتقادی، خداآوری و نفی پلورالیسم دینی سبب معنابخشی به زندگی انسان و آرامش درونی می‌گردد. انسان بی‌اعتقاد در مواجهه با مشکلات احساس یأس و پوچی و اضطراب و بی‌هویتی می‌کنند و این خود زمینه تن دادن به هر رفتاری است که عملاً در بسیاری از موارد زمینه بزه‌دیدی را فراهم می‌آورد. در این شرایط اصولاً با بزه‌دیدگانی مواجه هستیم که خود در تحقق بزه‌دیدی نقش دارند.

روحیه صبر و مدارا و خویش‌داری در افراد در بسیاری از موارد از بزه‌دیدی آنان جلوگیری می‌کند. در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منقول است کسی که چهار خصلت داشته باشد، خیر دنیا و آخرت به او داده شده

است. یکی از آن موارد حلم و بردباری است تا به وسیله آن چهل جاهل را از خود دور کند (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸). این ویژگی در جرایم علیه تمامیت جسمانی مانند قتل و ضرب و جرح و نیز جرایم مالی چون تخریب که افراد در تماس مستقیم هستند، تأثیرگذار خواهد بود. حتی در روایات تأکید می‌گردد در مقابل چنین افراد بی‌خردی حلم و بردباری داشته باشید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۷۰).

شخصیتی که مبتنی بر روحیه صبر و مدارا و تحریک نکردن است، کمتر بزه‌دیده واقع می‌گردد؛ چراکه برخی بزه‌کاران به دلیل مشکلات روانی و عقده‌های درونی با کمترین فشار تحریک شده و دست به ارتکاب جرم می‌زنند و خویشتن‌داری زمینه را از چنین افرادی می‌گیرد. از منظر اسلام عدم توجه به گفتار هتک‌آمیز و سرزنش جاهلان با عبارت «عرض عن الجاهلین» (اعراف: ۱۹۹) بیان شده و بهترین روش نادیده انگاشتن آنان است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۶۴). همچنین ضعیف بودن از بعد جسمی و ذهنی از امور دیگری است که انسان را معد برای بزه‌دیدگی می‌سازد. در جرایم علیه تمامیت جسمانی، افراد ضعیف بیشتر آسیب‌پذیر هستند و در جرایم مالی چون کلاهبرداری ضریب هوشی در بزه‌دیدگی و حجم آن مؤثر است.

نکته مهم دیگری که سهم بسزایی در فرایند بزه‌دیدگی دارد، عدم محافظت از آماج‌هاست؛ یعنی بزه‌دیده به جهت خصلت‌های فردی مراقبت‌های لازم را انجام نمی‌دهد. همچنین وضعیت‌هایی مانند عادت به تنهایی و رها کردن منزل در مدت طولانی، آماج‌ها را بی‌حفاظ می‌سازد. کراهتی که در برخی روایات نسبت به تنها خوابیدن و سفر کردن مطرح شده می‌تواند در این راستا باشد (صلوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۷).

موضوع دیگر در این حوزه اعتیاد به مواد مخدر و الکل به‌عنوان یک سبک زندگی، علاوه بر اینکه خود نوعی بزه‌کاری است، زمینه بزه‌دیدگی را نیز فراهم می‌کند. افراد معتاد از یک‌سو بیشتر در موقعیت‌های خطرناک که مجرمان بالقوه در آن حضور دارند قرار می‌گیرند و طبعاً برای مجرمان در دسترس‌تر هستند و از سوی دیگر، وضعیت خاص ناشی از وابستگی به مواد، مقاومت آنان را در مقابل بزه‌کاران کاهش می‌دهد.

افرادی که تحت تأثیر الکل یا مواد مخدر قرار دارند، معمولاً قدرت قضاوت و توانایی تصمیم‌گیری درست را از دست می‌دهند. این وضعیت ممکن است آنها را در موقعیت‌های خطرناک قرار دهد، مانند:

ورود به مکان‌های ناامن؛ ارتباط با افراد خطرناک یا مجرمان؛ عدم تشخیص تهدیدهای اطراف.

این افراد اغلب با برچسب‌های منفی از جانب جامعه مواجه می‌شوند. این مسئله می‌تواند حمایت اجتماعی از آنها را کاهش داده و آنها را از دسترسی به کمک‌ها و حمایت‌های لازم محروم کند. در چنین شرایطی، افراد ممکن است به‌راحتی توسط دیگران فریب بخورند و یا قربانی خشونت شوند.

افراد معتاد برای تأمین هزینه‌های مصرف خود ممکن است به طور مداوم تحت فشار مالی قرار بگیرند. این وضعیت می‌تواند آنها را به سمت اقدامات پرخطر و جرایم کوچک مانند سرقت سوق دهد، و همچنین زمینه را برای سوءاستفاده دیگران فراهم کند:

– افراد ممکن است طعمه کلاهبرداران شوند.

– برای تأمین نیاز مواد، مجبور به مبادلاتی ناعادلانه یا غیرقانونی شوند.

یکی از موضوعات مربوط به سبک زندگی فردی، نوع پوشش افراد است. این امر در زنان بیشتر موضوعیت پیدا می‌کند، بدین جهت رعایت الزامات پوشش در بسیاری از مکاتب و فرهنگ‌ها از جمله اسلام توصیه شده است. امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} در نامه ۳۱ نهج^۱ //البلاغه دلیل شدت حجاب را حفظ زنان عنوان کرده‌اند؛ چراکه فقدان حجاب نگاه ابرازی را نسبت به آنان تقویت می‌کند. این موضوع مورد اعتراف جرم‌شناسان غربی نیز قرار گرفته و آنان نیز فرهنگ برهنگی را موجب افزایش بزه‌کاری می‌دانند (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۵۲).

در قرآن، فلسفه حجاب به‌عنوان امری که از اذیت و آزار زنان جلوگیری می‌کند بیان شده است (احزاب: ۵۹)؛ در جای دیگر قرآن نیز به زنان توصیه شده به نحو هوس‌انگیز سخن نگویند تا افراد بیماردل در آنان طمع نکنند (احزاب: ۳۲).

خلاصه آنکه سبک زندگی فردی در شکل باورها، شیوه گذران روزها، شغل و تحصیلات، عادات غذایی، نوع پوشش و چگونگی کسب درآمد و خرج آن تجلی می‌یابد. این موارد با همه جنبه‌های آن، نقشی دوگانه بر بزه‌دیدگی ایفا می‌کند. اگر این سبک زندگی در راستای انتخاب‌های سالم، پایبندی به ارزش‌ها، و برنامه‌ریزی آگاهانه باشد، احتمال بزه‌دیدگی کاهش می‌یابد. در مقابل، سبک زندگی ناسالم یا رفتارهای پرخطر، افراد را در معرض آسیب و قربانی شدن قرار خواهد داد.

۴. سبک زندگی اجتماعی و بزه‌دیدگی

زندگی اجتماعی همان‌گونه که سهولت را به همراه داشته است فرصت‌های بزه‌دیدگی را نیز افزایش می‌دهد. استفاده مداوم از خودرو با وجود رفاه و سرعت عمل، بهترین فرصت را برای مجرم مهیا می‌سازد. سبک زندگی اجتماعی و بزه‌دیدگی ارتباط بسیار قوی با تعاملات اجتماعی دارد. بر اساس پژوهشی که در آمریکا انجام شده است افراد جوان، مجرد، بیکار و سیاه‌پوست بیشتر در معرض خطر بزه‌دیدگی هستند تا افراد بزرگسال، متأهل، شاغل و سفیدپوست، و البته این تفاوت می‌تواند ناشی از سطوح مختلف آمادگی‌های ساختاری و همچنین تفاوت‌های موجود در فعالیت‌های روزانه و سبک زندگی باشد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص ۲۶۰).

یکی از ابعاد مهم نظریه سبک زندگی تأکید بر این امر است که میان احتمال وقوع جرم و میزان حضور افراد در مکان‌های جرم‌خیز و پرخطر رابطه معناداری وجود دارد، از این رو سکونت یا اشتغال و یا رفت و آمد در چنین مراکزی خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد. کوهن و فلسون در مطالعات خود تأکید دارند که «تغییر در کالبد محیط شهری» و به‌طور کلی طراحی محیطی در میزان وقوع جرم تأثیر داشته و از این رو ابزارهایی چون ایجاد محدودیت و کنترل دسترسی، دشوار کردن اهداف مجرمانه، کنترل و مراقبت از عرصه‌های عمومی و مداخلات و پیوستگی‌های اجتماعی محله‌ای، مشرف بودن، نورپردازی فضای عمومی، در پیشگیری نقش مهمی دارد (نوروزی و نصیری سقرلو، ۱۳۹۴، ص ۱۰۴).

با این اوصاف، سبک زندگی به‌خودی‌خود در ساختار امنیتی محیط عمومی تأثیرگذار است و البته این امر نیازمند مشارکت جمعی شهروندان، دولت، شهرداری‌ها و نهادهای انتظامی است.

در زندگی اجتماعی، خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین و در عین حال، مهم‌ترین رکن در موضوع بزه‌دیدگی نقش‌آفرین است؛ چراکه سبک زندگی در گام نخست در خانواده شکل می‌گیرد و این کانون، مکانی برای بروز و ظهور عواطف انسانی و پرورش اجتماعی و محلی برای آرامش فرد حفظ سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی است. عملکرد ناسالم خانواده علاوه بر ایجاد اختلالات روانی، زمینه‌ساز ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد شد این بدان معناست که خانواده در سلوک فردی و اجتماعی افراد مؤثر است. نوع مدیریت خانواده در سهل‌گیری یا سخت‌گیری از موضوعاتی می‌باشد که بر شیوه زندگی و ترجیحات فرد تأثیرگذار می‌باشد رویکرد خانواده از جهت روابط فی‌مابین، پیوستگی یا ازهم‌گسستگی،

اشتغال پدر یا مادر و و یا هردوی آنان در نوع رفتار اعضای آن مؤثر است (Heather, Tumer, Finkelhor, Ormod, 2012).

یکی دیگر از ابعاد تغییر از سبک زندگی سنتی به مدرن، حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی به‌خصوص در مراکز غیردولتی و شرکت‌های خصوصی است که به همان میزان که محدودیت‌های خانه‌نشینی را کاهش داده و استعدادهای فردی آنان را شکوفا می‌سازد، خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد.

در سبک زندگی اجتماعی، یکی دیگر از موارد تسهیلگر در بزه‌دیدگی، آپارتمان‌نشینی است. نیومن پژوهشگر حوزه معماری، طراحی ساختمان‌ها را به صورت آپارتمانی و مجتمع مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ چراکه این ساختمان‌ها زمینه بزه‌دیدگی افراد را فراهم می‌سازد. وی بیان می‌دارد با تغییرات محیطی، سبک زندگی و عادات روزانه افراد تغییر کرده و آنها می‌توانند رویکرد بهتری نسبت به رفتارهای ضداجتماعی داشته باشند (جانکی فیروز و قورچی بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۷). زندگی در مجتمع‌های آپارتمانی به دلیل عدم انسجام محیطی، وجود ورودی‌ها و خروجی‌های غیرقابل کنترل، ارتباط کم ساکنان، شرایط بزه‌دیدگی را تسهیل می‌کند؛ این در حالی است که محله‌های قدیمی به جهت ارتباط منسجم ساکنان و شناخت افراد از یکدیگر و احساس مسئولیت متقابل سبب کاهش جرم می‌گردد.

۵. سبک زندگی مجازی و بزه‌دیدگی

در سال‌های اخیر به دلیل گسترش شبکه‌های مجازی شاهد تغییر در عادات و عقاید و رفتارهای مردم هستیم، به نحوی که متفکران برای بیان این وضعیت از تعبیر زیست مجازی، یعنی حضور مردم به شیوه سازمان‌یافته جهت برقراری ارتباط در حوزه علائق مشترک، یاد می‌کنند که البته روز به روز این فضا تأثیر بیشتری بر زیست حقیقی انسان می‌گذارد (Riding, Gefen, Arinze, 2002, p. 273). جایگاه فضای مجازی در زندگی امروز بشر به‌حدی است که می‌توان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی و کنار هم قرار دادن کلیدواژه‌های مندرج در جست‌وجوهای افراد در موتورهای جست‌وجو نیمرخ (Profile) از شخصیت کاربر که شامل سلیقه‌ها، علایق، عادات و وضعیت جسمی و روحی اوست ترسیم نمود. این امر سبب گردیده این فضا به دنیای واقعی نزدیک شده و حتی برخی از آن به فراواقعیت تعبیر کرده‌اند (مختاری و ملک‌احمدی، ۱۳۹۶، ص ۷۵).

درصد بزه‌دیدگان فضای سایبر زن هستند (Halder, 2010). در سبک زندگی مجازی، گاهی با بزه‌دیدگان دارای خطرپذیری بالا مواجه هستیم که زندگی شخصی - اجتماعی‌شان آنان را در معرض خطر تحمل آسیب قرار می‌دهد، مانند کودکانی که مدت استفاده آنان از فضای مجازی زیاد بوده و تحت نظارت و کنترل نیز نمی‌باشند؛ در برخی موارد اگر فعالیت مجازی چنین افرادی توجه مجرم را جلب نماید، چه‌بسا بکوشد به او دسترسی فیزیکی نیز پیدا کند. از این‌رو مهارت استفاده از این فضا و زمان صرف‌شده برای فعالیت در اینترنت ارتباط مستقیمی با بزه‌دیدگی دارد؛ همچنین کسانی که در زندگی واقعی خود زورپذیر هستند، اصولاً در فضای مجازی نیز بیشتر متحمل بزه‌دیدگی می‌شوند. در پژوهشی که در سال ۲۰۰۸ انجام پذیرفت چنین افرادی بیش از دو و نیم برابر بزه‌دیدگی در فضای مجازی را تجربه کرده‌اند (Hinduja- Patchin, 2018, p. 42). مثال قابل توجه در خصوص تأثیر تغییر سبک زندگی بر بزه‌دیدگی، قرنطینه ناشی از کرونا و ویروس بود. در این وضعیت افراد به جهت ایمن نبودن مکان‌های عمومی ضمن اجتناب از حضور فیزیکی در بیرون از خانه، اقدام به فعالیت‌های روزانه آنلاین می‌کردند و این تغییر در عادات زندگی روزانه محیط جرم و بزه‌دیدگی را تغییر داد. بر اساس گزارشی که در آوریل ۲۰۲۰ از سوی مقامات قضایی چین ارائه گردید شیوع و ویروس سبب گردید نرخ بازداشت‌ها ۴۱ درصد کاهش یابد. این در حالی است که نرخ جرم رایانه‌ای حدود ۴۱ درصد و جرایم اینترنتی ۳۲ درصد افزایش یافت (Cao-Feng, 2020).

مهم‌ترین مؤلفه پیونددهنده نظریه سبک زندگی و فعالیت روزانه با پیشگیری وضعیت‌محور، کاربست تدابیر وضعی است، از این‌رو هرگونه بی‌توجهی به امنیت رایانه ناشی از ویژگی‌های فردی یا عدم مهارت در این عرصه تعیین‌کننده می‌باشد. در این راستا می‌توان به نصب دیوار آتشین و ویروس‌کش‌ها و به‌روزرسانی آنها، عدم ذخیره رمز عبور در مرورگرها، خارج کردن سیستم از دسترسی از راه دور، رمزگذاری بر روی فایل‌ها و پوشه‌ها، عدم استفاده از رمزهای قابل پیش‌بینی مانند سال تولد، شماره شناسنامه و البته قرار دادن ترکیب حروف و اعداد و علائم بر روی رمزها، استفاده از نرم‌افزارهای کنترل شبکه، ارائه خدمات اینترنتی بر مبنای احراز هویت، پرهیز از دانلود نرم‌افزارهای ناشناخته و ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های آموزشی و فرهنگی منطبق با فرهنگ ایرانی - اسلامی اشاره نمود.

برخی جرم‌شناسان معتقدند واگرایی فضای فیزیکی و مجازی، مؤلفه مهمی در ایجاد جرایم و بالطبع بزه‌دیدگی است. نظریه (انتقال فضا) تعبیری برای رویکرد افرادی است که رفتارهای هنجارمند و ناهنجار خود را در فضای مجازی نشان می‌دهند (Jaishankar, 2007, p. 7). نکته قابل‌ملاحظه در حوزه فضای مجازی آن است که نه‌تنها سبک زندگی بر بزه‌دیدگی در این فضا تأثیرگذار است، بلکه خود این فضا نیز با تغییر سبک زندگی انسان، زمینه بزه‌دیدگی در فضای حقیقی را فراهم می‌آورد. توسعه فناوری‌های نوین در عین آنکه معرف موفقیت در توسعه و بهبود حیات اجتماعی است، زمینه بزه‌دیدگی در فضای مجازی می‌گردد. بزه‌دیدگی در این محیط می‌تواند افسردگی و اضطراب، گسترش افکار خودکشی، احساس تنهایی و پوچی و ناسازگاری‌های اجتماعی، خودپنداره منفی و خود را سزاوار سوءاستفاده دانستن را به دنبال داشته باشد. پژوهش بونلگا و دیگران در سال ۲۰۱۲ به این نتیجه رسید که میان بزه‌دیدگی در فضای مجازی با تنهایی و انزوا و افسردگی و استرس ادراک‌شده همبستگی معناداری وجود دارد. روابط خوب اعضای خانواده زمینه گفت‌وگوی هدفمند آنان را در خصوص مخاطرات فضای مجازی فراهم می‌کند و این امر بزه‌دیدگی را کاهش می‌دهد (Buelga-Martinez-Cava, 2012).

در سطح خانواده جو منفی خانوادگی و چالش‌های مستمر زمینه آسیب‌پذیری بیشتر افراد را در فضای مجازی میسر می‌کند. روابط ناهنجار خانوادگی سبب می‌شود افراد زمان بیشتری را در فضای مجازی سپری کنند تا این امر به نوعی جایگزین تعاملات خانوادگی گردد و از سوی دیگر، این ناهنجاری‌ها استمرار بزه‌دیدگی در این فضا را در پی دارد. فشار اطرافیان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بزه‌دیدگی در فضای مجازی تلقی می‌شود؛ چراکه نارضایتی فرد از اطرافیان، بی‌احتیاطی و رفتارهای جسورانه را در وی تقویت می‌کند و این امر خود تسریع‌کننده بزه‌دیدگی است؛ همچنین این موضوع سبب می‌گردد چنین افرادی به پیشنهاد ارتباط و دوستی دیگران پاسخ مثبت دهند و عملاً در بسیاری از موارد با این اقدام بزهکاران را وارد حریم خصوصی خود می‌کنند.

جنسیت نیز در فضای مجازی تأثیر مهمی دارد؛ چراکه زنان به دلیل داشتن زمان، بیشتر از این فضا استفاده می‌کنند. بر اساس آمارهای موجود دختران دو برابر پسران در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند (Fritth, 2017). مطابق پژوهش دیگری حدود ۷۳

البته این موارد به‌تنهایی نمی‌تواند از بزه‌دیدگی پیشگیری نماید؛ چراکه درونی‌سازی هنجارها و ارزش‌های جامعه از طریق پیشگیری رشد‌مدار و نیز نگاه اجتماعی به پدیده مجرمانه تأثیر عمیق‌تری در موضوع پیشگیری دارد.

نتیجه‌گیری

تحولات نوین علوم اجتماعی و جرم‌شناسی توجه پژوهشگران را بر بُعد دیگر پدیده مجرمانه، یعنی بزه‌دیده یا قربانی جرم معطوف ساخت. بر این اساس در رویکرد بزه‌دیده‌محور، سبک زندگی قربانی جرم شامل زیست فردی، تعاملات اجتماعی و کنش‌ها در فضای مجازی، مؤلفه مهمی در بزه‌دیدگی هستند. بر این اساس در پژوهش صورت‌گرفته سه حوزه مورد توجه قرار گرفت. در سبک زندگی فردی خداباوری، روحیه صبر و مدارا و خویشتن‌داری، محافظت از آماج‌ها، عادت به‌تنهایی یا رها کردن منزل در مدت طولانی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل و نوع پوشش در بزه‌دیدگی مؤثر است.

در سبک زندگی اجتماعی حضور در مکان‌های جرم‌خیز، تغییر کالبد محیط شهری، کنترل و مراقبت از عرصه‌های عمومی، نوع تعاملات خانوادگی رابطه مستقیمی بر بزه‌دیدگی دارد؛ همچنین در سبک زندگی مجازی، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، جنسیت و مهارت استفاده از این فضا و کاربست تدابیر وضعی عناصر تعیین‌کننده در مقوله بزه‌دیدگی هستند.

مزیتی که پیشگیری از طریق تغییر در سبک زندگی ایجاد می‌کند آن است که اولاً فرد با مشارکت در خودمراقبتی، عدم تحریک دیگران و رعایت احتیاطات لازم امکان بزه‌دیدگی را به حداقل می‌رساند و ثانیاً این وضعیت حتی در خصوص بزه‌کارانی که ارزیابی دقیقی از رفتار خود ندارند، نیز مؤثر است؛ چراکه به جای منصرف کردن بزه‌کار، امکان ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد. در این راستا مهم‌ترین راهکار کاهش بزه‌دیدگی، آموزش مهارت‌های زندگی است. این آموزش‌ها به طور نظام‌مند و کاربردی می‌تواند از بزه‌دیدگی افراد پیشگیری نماید.

منابع

- آنسل، مارک (۱۳۹۱). *دفاع اجتماعی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: گنج دانش.
- اکبری، لیلا (۱۳۸۰). *بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه تهران.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷). *پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر*. رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی. تهران: دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- بودن، بوریکاد و ریمون، فرانسیس (۱۳۷۷). جرم. بصیرت. ۱۵، ۳۱-۳۸.
- پیکا، ژرژ (۱۳۷۰). *جرم‌شناسی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- جانکی فیروز، محمود و قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۸). نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم. *مطالعات حقوق خصوصی*. ۲، ۳۴۵-۳۶۷.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شاکسمیت، جنت و دیگران (۱۳۸۳). *اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان*. ترجمه فرامرز ککولی دزفولی. تهران: سازمان ملی جوانان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰ق). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
- مختاری، مریم و ملک‌احمدی، حکیمه (۱۳۹۶). *هرزه‌نگاری و فراواقعیت*. راهبرد فرهنگ. ۳۷، ۷۱-۹۹.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۶۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوروزی، نادر و نصیری سقرلو، اقلیمه (۱۳۹۴). *نقش سبک زندگی در پیشگیری از جرم*. تهران: مجد.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۳). *حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران*. حقوقی دادگستری. ۴۸ و ۴۹، ۱۶۹-۲۲۶.
- والکلیت، ساندر (۱۳۸۶). *شناخت جرم‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: میزان.
- ویانو، امیلیو (۱۳۷۶). *بزه‌دیده‌شناسی*. ترجمه نسرین مهرا. تحقیقات حقوقی. ۱۲۲، ۴۳۸-۴۵۶.
- ویلیامز، مک شین، فرانکلین، مریلین (۱۳۹۱). *نظریه‌های جرم‌شناسی*. تهران: میزان.

- Berelson, B and Steiner, G.A. (2010). *Human Behaviour*. Harout Brace & World Pub.
- Bourdieu, P. (2003). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. New York: Routledge & Kegan paul.
- Buelga, S., Cava, M. J., & Musitu, G. (2012). Validación de la escala de victimización entre adolescentes a través del teléfono móvil y de Internet. *Revista Panamericana de Salud Pública*, 32, 36-42.
- Cao, Y., & Feng, Y. (2020). *Victims of family in the COVID-19*

- pandemic: Weakened self-help system. *Southern Weekly*, march 19. In Chinese. Accessed: <https://link.springer.com/article/10.1007/>.
- Cohen, L. E., & Felson, M. (1979). Social change and crime rate trends: A routine activity approach. *American Sociological Review*, 44(4), 588-608.
- Frith, Emily (2017). *Social media and children mental health: a review of the evidence*. Education Policy Institute, London.
- Halder, D. And Jaishankar, K. (2010). *Cyber Crime and Victimization of Women: Laws, Rights, and Regulations*. USA: IGI Global.
- Heather A. Turner, David Finkelhor, and Richard Ormrod (2012). Family Context, Victimization, and Child Trauma Symptoms: Variations in Safe, Stable, and Nurturing Relationships During Early and Middle Childhood. *American Journal of Orthopsychiatry*, 82, 209-219.
- Hinduja, S., & Patchin. J. W. (2018). Cyberbullying: An exploratory analysis of factors related to offending and victimization. *Deviant Behavior*, 29, 129-156.
- Jaishankar K (2007). Cyber criminology: Evolving a novel discipline with a New journal, *International Journal of Cyber Criminology*, India, 1-1, 1-6.
- Katryn t-dominic v (2008). *the psychology of life style*. London: Routledge.
- Lab, P. Steven (2014). *Crime Prevention; Approaches. Practices and Evaluations*: Anderson Publishing.
- Ridings, Catherine M., Gefen, David. and Arinze, Bay (2002). Some Antecedents and Effects of Trust in Virtual Communities. *The Journal of Strategic Information Systems*. 11, 271-295.
- Simmel g, (1990). *the philosophy of money*. tom bohomer&pavid frisby (trans), 3rd Edition. New York: Routledge.